

## دعای ندبه

دعای ندبه به معنای خواندن، گریه بر شخص مرده همراه با ذکر خوبی های اوست.

این دعا مشتمل بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت مهدی است که از امام ششم شیعیان نقل شده و به خواندن آن در این چهار مورد توصیه شده است:

جمعه      عید فطر      عید قربان      عید غدیر

## بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ  
لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَحْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ  
إِذِ احْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ لَا اضْمِحْلَالَ بَعْدَ  
أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةِ وَ زُحْرُفَهَا وَ زَبْرَجَهَا فَشَرَطُوا لَكَ  
ذَلِكَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَ الثَّنَاءَ  
الْجَلِيلَا وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ  
الذَّرِيعَةَ [الذَّرَائِعَ] إِلَيْكَ

ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است، و درود و سلام خدا، سلامی کامل، بر سرور ما محمد، پیامبرش و اهل بیت او، خدایا تو را ستایش، بر آنچه به آن جاری شد قضای تو درباره اولیای، آنان که تنها برای خود دینت برگزیدی، آنگاه که برای ایشان اختیار کردی، فراوانی نعمت پابرجایی که نزد توست، نعمتی که تباهی و نابودی ندارد، پس از آنکه بی میل بودن نسبت به رتبه های این دنیای فرومیه، و زیب و زیورش را با آنان شرط نمودی، آنان هم آن شرط را از تو پذیرفتند، و تو هم وفا نمودن به آن را از جانب آنان دانستی، پس قبولشان کردی، و مقرب در گاهشان نمودی، و برای آنان یاد والا، و ثنای روشن پیش آوردی، و فرشتگان را بر آنها فرو فرستادی، و به وحی ات اکرامشان فرمودی، و به دانشت به آنان عطا کردی، و ایشان را دست آویز به سويت

وَالْوَسِيلَةَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَىٰ أَنْ أُخْرِجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَ [مَعَ] مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ حَلِيلًا وَ سَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَحِبِّهِ رِذَاءًا وَ وَزِيرًا وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَ آتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ كُلُّ [وَ كَلًّا] شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً

و وسیله به جانب خشنودی ات قرار دادی، پس بعضی را در بهشت جای دادی، و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی، و از تو درخواست نام نیک، در میان آیندگان کرد، و تو درخواست او را اجابت نمودی، و نامش را بلند آوازه کردی، و با بعضی از میان درخت سخن گفتی، سخن گفتنی خاص، و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی، و بعضی را بدون پدر به وجود آوردی، و دلایل آشکار به او عنایت فرمودی و به روح القدس او را تأیید نمودی، و برای همه آنان شریعت مقرر کردی،

وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ [أَوْصِيَاءَهُ] مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ [مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ] مِنْ مُدَّةٍ إِلَىٰ مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَ حُجَّةً عَلَىٰ عِبَادِكَ وَ لِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَىٰ أَهْلِهِ وَ لَا [لِئَلَّا] يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنذِرًا وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نُخْزَىٰ إِلَىٰ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَىٰ حَبِيبِكَ وَ نُحْبِبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

و راه را روشن و واضح ساختی، و جانشینانی اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبان، از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپا داشتن دینت، و حجتی بر بندگانت، برای اینکه حق از جایگاهش برداشته نشود، و باطل بر اهل حق پیروز نگردد، و احدی نگوید چه می شد اگر برای ما پیامبری بیم‌دهنده می فرستادی، و پرچم هدایت برای ما برپا می نمودی تا بر این اساس از آیات پیروی می کردیم، پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، تا اینکه مقام رسالت و هدایت را به حبیب و برگزیده ات محمد (درود خدا بر او خاندانش) را رساندی،

فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ وَ أَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ قَدَمْتَهُ عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَ بَعَثْتَهُ إِلَىٰ الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ [بِهِ] إِلَىٰ سَمَائِكَ وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ

مَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصْرَتَهُ بِالرُّعْبِ وَ حَفَفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ  
 الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تُظَهَرَ دِينُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ  
 ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأً صَدَقٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ ،

پس بود همانگونه که او را برگزیدی، سرور مخلوقات، و برگزیده برگزیدگان، و برترین انتخاب شدگان، و گرامی‌ترین معتمدان، او را بر پیامبران مقدم نمودی، و بر جن و انس از بندگانت برانگیختی و مشرقها و مغربها را زیر پایش گذاردی، و براق را برایش مسخر ساختی، و آن شخصیت بزرگ را به آسمان بالا بردی، و دانش آنچه بوده، و خواهد بود تا سپری شدن آفرینش به او سپردی، سپس او را با فرو انداختن هراس در دل دشمن یاری دادی، و به جبرائیل و میکائیل و نشان‌داران از فرشتگان قرار گرفتی، و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید، و این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلش جایش دادی، و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد،

لَلَّذِي بِبِكَّةٍ مُّبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ قُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَ قُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ ،

که در مکه است، خانه بابرکت، و مایه راهنمایی برای جهانیان، در آن خانه نشانه‌های آشکاری است، مقام ابراهیم، و هر که وارد آن شد، در امان بود، در حق آنان فرمودی: جز این نیست که خدا اراده فرموده، پلیدی را از شما خانواده ببرد، و شما را پاک گرداند، پاک کردنی شایسته، سپس پاداش محمد را در قرآنت مودت اهل بیت او قرار دادی، و فرمودی بگو من از شما برای رسالت پاداشی جز مودت نزدیکنم نمی‌خواهم، و فرمودی: آنچه به عنوان پاداش از شما خواستم، آن هم به سود شماست، و فرمودی: من از شما برای رسالت پاداشی نمی‌خواهم، جز کسی که بخواهد، راهی به جانب پروردگارش بگیرد، پس آنان راه به سوی تو بودند،

وَ الْمَسْئَلُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَ آلهِمَا هَادِيَا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَ الْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نصرَهُ وَ

اِخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ اَنَا نَبِيَّهٖ فَعَلِيَّ اَمِيْرُهُ وَ قَالَ اَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ  
وَ اِحْدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى وَ اَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُوْنَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ اَنْتَ مِنِّي  
بِمَنْزِلَةِ هَارُوْنَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنَّهٗ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ زَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ وَ اَحَلَّ  
لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْاَبْوَابَ اِلَّا بَابَهُ ثُمَّ اُوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ:

و راه به حریم خشنودیات، نگاه که روزگار آن حضرت سپری شد، نماینده اش علی بن ابیطالب (درود تو بر آن دو و خاندانشان  
باد)، را، برای راهنمایی برگماشت، چرا که او بیم دهنده، و برای هر قومی راهنما بود، پس در حالی که انبوهی از مردم در برابرش بودند  
فرمود: هر که من سرپرست او بودم، پس علی سرپرست اوست، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد، و دشمن بدار کسی  
را که دشمن علی است، و یاری کن هر که او را یاری کند، و خوار کن هر که او را وا گذارد، و فرمود: هر که من پیامبرش بودم، پس  
علی فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از یک درخت هستیم، و سایر مردم از درختهای گوناگونند، و جایگاه او را نسبت به خود  
همچون جایگاه هارون به موسی قرار داد، و به او فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسایی، جز اینکه پس از من پیامبر  
نیست، و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد، و از مسجدش برای او حلال کرد، آنچه را برای خودش حلال  
بود، و همه درهایی را که به مسجد باز می شد بست مگر در خانه او را، آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد، و فرمود:

اَنَا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ اَرَادَ الْمَدِيْنَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ اَنْتَ  
اَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَاْرثِي لِحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمُّكَ مِنْ دَمِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حَرْبُكَ  
حَرْبِي وَ الْاِيْمَانُ مُخَالِطُ لِحْمِكَ وَ دَمِّكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ اَنْتَ غَدَا عَلِيَّ  
الْحَوْضِ خَلِيْفَتِي وَ اَنْتَ تَقْضِي دِيْنِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي وَ شِيْعَتُكَ عَلَيَّ مِنْ اَنْبِيَاءِ  
مُبِيْضَةً وَ وُجُوْهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِيْرَانِي وَ لَوْ لَا اَنْتَ يَا عَلِيٌّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُوْنَ  
بَعْدِي وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى وَ حَبْلًا لِلّٰهِ الْمَتِيْنَ وَ صِرَاطُهُ  
الْمُسْتَقِيْمُ،

من شهر علمم و علی در آن شهر است، پس هر که اراده شهر علم و حکمت کند، باید از در آن وارد شود، سپس گفت: تو برادر و  
جانشین و وارث منی، گوشتت از گوشت من، و خونت از خون من، و آشتی با تو، آشتی با من، و جنگ با تو، جنگ با من است، و  
ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده، چنان که با گوشت و خون من درآمیخته و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی، و

تو قرضم را می‌پردازی، و به وعده‌های من وفا می‌کنی، و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند، درحالی که رویشان سپید، و در بهشت پیرامون من، و همسایگان منند، و اگر تو ای علی نبودی، اهل ایمان پس از من شناخته نمی‌شدند، و آن حضرت پس از پیامبر، مایه هدایت از گمراهی، و نور از نابینایی و ریسمان استوار خدا و راه راست او بود،

لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ يَخْذُو  
حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ  
لَائِمٌ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَ قَتَلَ أَبْطَاهُمْ وَ نَاوَشَ [نَاهَشَ] ذُؤَابَانَهُمْ فَأَوْدَعَ  
قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ حَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ [فَأَصَنَّتْ] [فَأَصَنَ] عَلَى  
عَدَاوَتِهِ وَ أَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ لَمَّا قَضَى  
نَجْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشَقَى [الْأَشَقِيَاءَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ] الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ  
يُمْتَثَلْ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَ الْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى  
مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحْمِهِ وَ إِفْصَاءِ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ،

با نزدیک‌اش در خویشاوندی به رسول خدا، کسی بر او پیشی نگرفت، و همچنین با سابقه‌اش در دین، کسی بر او مقدم نبود، و در فضیلتی از فضائل هیچکس به او نرسید، کار پیامبر (درود خدا بر او خاندانش) را پی گرفت، و براساس تأویل قرآن جنگ می‌کرد، و درباره خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای را به خود نمی‌گرفت، خون شجاعان عرب را، در راه خدا به زمین ریخت، و دلاوران‌شان را از دم تیغ گذراند و با گرگان‌شان در افتاد، پس به دل‌هایشان کینه سپرد، کینه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها را، پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ با او رو آوردند، تا پیمان‌شکنان و جفا پیشگان و خارج‌شدگان از دایره دین را کشت، و هنگامی که درگذشت و او را بدبخت‌ترین پسینان، که از بدبخت‌ترین پیشینان کرد، به قتل رساند، دستور رسول خدا (درود خدا بر او خاندانش) در باره هدایت‌کنندگان، از پس هدایت‌کنندگان [امامان بعد از پیامبر] اطاعت نشد، دامت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند، و برای قطع رحم او، و تبعید فرزندانش گرد آمدند، مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق درباره ایشان به پیمان پیامبر وفا کردند

فَقَتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سِيٍّ مَنْ سِيٍّ وَ أَقْصِيٍّ مَنْ أَقْصِيٍّ وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ  
حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ

سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى  
 الْأَطَّابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ وَ إِيَّاهُمْ  
 فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرِفِ [فَلْتُدْرِ] الدُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَ يَضْحُجْ  
 [يَضْحَجِ] الضَّاحُونَ وَ يَعْجُ [يَعَجِ] الْعَاجُونَ أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ  
 صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ ،

پس کشته شد آنکه کشته شد، و اسیر گشت آنکه اسیر گشت، و تبعید شد آنکه تبعید شد، و قضا بر آنان جاری شد به آنچه که بر  
 آن امید پاداش نیک می‌رود، زیرا زمین از خداست، آن را به هر که از بندگانش بخواهد به ارث می‌دهد، و سرانجام از آن پرهیزگاران  
 است و منزّه است پروردگار ما که به یقین وعده پروردگاران انجام‌شدنی است، و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی‌کند و او  
 نیرومند حکیم است، پس بر پاکیزگان از اهل بیت محمد و علی (درود خدا بر ایشان و خاندانشان) باید گریه کنندگان بگریند، و  
 زاری کنندگان بر ایشان زاری کنند، و برای مانند آنان باید اشکها روان شود، و فریاد کنندگان فریاد زنند، و شیون کنندگان شیون  
 کنند، و خروشندگان بخروشند، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر راستگویی  
 پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟

أَيْنَ الْحَيْرَةِ بَعْدَ الْحَيْرَةِ أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ أَيْنَ  
 أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ  
 دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُتَنْظِرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَ الْعُوجِ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَ الْعُدْوَانِ أَيْنَ  
 الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَحَيَّرِ [الْمُتَّخِذُ] لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ أَيْنَ  
 الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ  
 الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أُبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَ النِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ  
 أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْعِيِّ وَ الشِّقَاقِ [النِّفَاقِ] ،

کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزیده؟ کجایند خورشیدهای تابان، کجایند ماههای نورافشان، کجایند ستارگان  
 فروزان، کجایند پرچمهای دین، و پایه‌های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود، کجاست آن مهیا  
 گشته برای ریشه کن کردن ستمکاران، کجاست آن که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده

برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنتها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف اندازی،

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الرَّيْغِ وَ الْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ [الْكَذِبِ] وَ الْاِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعَتَاةِ وَ الْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَ التَّضْلِيلِ وَ الْإِحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ [الْكَلِمِ] عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا،

کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع کننده دامهای دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی کنندگان، کجاست ریشه کن کننده اهل لجاجت و گمراهی، و بی دینی کجاست عزت بخش دوستان، و خوارکننده دشمنان، کجاست گردآورنده سخن بر پایه تقوا، کجاست در راه خدا که از آن آمده شود، کجاست جلوه خدا، که دوستان به سویش روی آورند، کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان، کجاست صاحب روز پیروزی، و گسترنده پرچم هدایت، کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا،

أَيْنَ الطَّالِبُ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ [الْمُطَالِبُ] بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ [الْخَلَائِفِ] ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحَمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ [الْمُهْتَدِينَ] يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمَهْدِيِّينَ يَا ابْنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ

[المُسْتَظْهِرِينَ] يَا ابْنَ الْخُضَارِمَةِ الْمُتَجَبِّينَ يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ [الْأَكْبَرِينَ] يَا ابْنَ  
الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّقَابَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ،

كجاست خواهنده خون پیامبران و فرزندان پیامبران، كجاست خواهنده خون كشته در كربلا، كجاست آن پیروز شده بر هر كه به او ستم كرد و بهتان زد، كجاست آن مضطری كه اجابت شود هنگامی كه دعا كند، كجاست سرسلسله مخلوقات، دارای نیکی و تقوا، كجاست فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن جبین، و فرزند فاطمه كبری؟، پدر و مادر و جانم فدایت شود، برایت سپر و حصار باشم، ای فرزند سروان مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاكیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای فرزند پاكان پاكیزه، ای فرزند بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریاهاى بی کران بخشش گرامی تر، ای فرزند ماههای نورافشان، ای فرزند چراغهای تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان،

يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ  
الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ  
[الْمَشْهُورَةِ] يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ  
لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْبُرَاهِينِ  
الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طه وَ  
الْمُحْكَمَاتِ،

ای فرزند راههای روشن، ای فرزند نشانه‌های آشکار، ای فرزند دانشهای کامل، ای فرزند آینه‌های مشهور، ای فرزند نشانه‌های حفظ شده، ای معجزات موجود، ای فرزند دلیلهای محسوس، ای فرزند راه مستقیم، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که در ام کتاب، نزد خدا، والا و حکیم است، ای فرزند آیات و نشانه‌ها، ای فرزند دلیلهای آشکار، ای فرزند برهانهای نمایان، ای فرزند حجتهای رسا، ای فرزند نعمتهای کامل، ای فرزند طه و آیات محکم،

يَا ابْنَ يَسٍ وَ الدَّارِيَاتِ يَا ابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ  
قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَ اقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ  
أَيُّ أَرْضٍ تُثَقِّلُكَ أَوْ تَرَى أَوْ بَرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوًى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا



تُرَى وَ لَا أَسْمَعُ [أَسْمَعُ] لَكَ حَسِيسَا وَ لَا نُجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي [لَا  
تُحِيطُ بِي دُونَكَ] الْبَلَوَى وَ لَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَ لَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ  
لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ [يَنْزَحُ] عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ  
مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٌ ذَكَرْنَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عِزٌّ لَا يُسَامَى،

ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه در آویخت، تا آنکه در دسترسی و نزدیکی  
به خدای علیّ اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود، ای کاش می دانستم خانهات در کجا قرار گرفته، بلکه می دانستم کدام زمین تو را  
برداشته، یا چه خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟ بر من سخت است که مردم را می بینم، ولی تو دیده  
نمی شوی، و از تو نمی شنوم صدای محسوسی و نه رازو نیازی، بر من سخت است که تو را بدون من گرفتاری فرا گیرد، و از من به تو  
فریاد و شکایتی نرسد، جانم فدایت، تو پنهان شده ای هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت، تو دوری هستی که از ما دور  
نیست، جانم فدایت، تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق ناله کنند، جانم  
فدایت، تو قرین عزّتی، که کسی بر او برتری نگیرد،

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى [يُجَادَى] بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهَى  
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى إِلَى مَتَى أَحَارُ [أَجَارُ] فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَى  
مَتَى وَ أَيِّ خِطَابٍ أَصِفُ فِيكَ وَ أَيِّ نُجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَ [أَوْ] أُنَاغَى  
عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ  
مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا حَلَا هَلْ قَدَيْتُ  
عَيْنٌ فَسَاعَدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى ،

جانم فدایت، تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد، جانم فدایت، تو نعمت دیرینه ای، که او را ماندنی نیست، جانم  
فدایت، تو قرین شرفی، که وی را برابری نیست، تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم، ای مولایم، و تا چه زمان، و با کدام بیان، تو را  
وصف کنم، و با چه رازو نیازی؟، بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم، و سخن مسرت بخش بشنوم، بر من سخت  
است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تو را وا گذارند، بر من سخت است، که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت، آیا کمک  
کننده ای هست، که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟ آیا بی تابی هست؟ که او را در بی تابی اش، هنگامی که خلوت کند  
یاری رسانم، آیا چشمی هست که خار فراق در آن جا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند،

هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ [بَعْدِهِ] فَنَحْظَى مَتَى  
 نَرُدُّ مَنَاهْلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُعَادِيكَ  
 وَ نُرَاوِحُكَ فَنَقِرَّ عَيْنَا [فَتَقَرَّ عَيْوُنَا] مَتَى تَرَانَا [وَ] نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِوَاءِ النَّصْرِ تُرَى أ  
 تَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوُؤُّ الْمَلَأَ وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَدَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ  
 عِقَابًا وَ أَبْرَتَ الْعُنَاةَ وَ جَحَدَةَ الْحَقِّ وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ اجْتَنَشْتَ أُصُولَ  
 الظَّالِمِينَ،

آیا به جانب تو ای پسر احمد راهی هست، تا ملاقات شوی، آیا روز ما به تو با وعده‌ای در می‌پیوندد تا بهره‌مند گردیم، چه زمان به چشمه‌های پر آبت وارد می‌شویم، تا سیراب گردیم، چه زمان از آب وصل خشکوارت بهره‌مند می‌شویم؟ که تشنگی ما طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می‌کنیم، تا دیده از این کار روشن کنیم، چه زمان مارا می‌بینی و ما تو را می‌بینیم، درحالی که پرچم پیروزی را گسترده‌ای، آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم، و تو جامعه جهانی را پیشوا می‌شوی درحالی که زمین را از عدالت انباشتی، و دشمنانت را خواری و کيفر چشاندی، و متکبران و منکران حق را نابود کرده‌ای و ریشه سرکشان را قطع نموده‌ای، و بیخ و بن ستمکاران را برکنده‌ای،

وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى وَ إِلَيْكَ  
 أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا [الْأُولَى] فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ  
 الْمُسْتَعِيثِينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهِ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ أَرِ لْ عَنَّهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى  
 وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ  
 عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ [الشَّائِقُونَ] إِلَى وَ لِيكَ الْمُدْكِرِ بِكَ وَ بِنَيْبِكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذَا  
 وَ أَقْمَتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا،

تا ما بگوییم: ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است. خدایا تو برطرف کننده سختیها و حوادث ناگواری، از تو یاری می‌طلبم، که یاری و کمک تنها نزد توست، و تو پروردگار آخرت و دنیایی، پس ای فریادرس درماندگان، به فریاد بنده کوچک گرفتارت برس، و سرورش را به او نشان بده ای صاحب نیروهای شگرف، و به دیدار سرورش، اندوه و سوز دل را از او بزدا، و آتش تشنگی‌اش را خاموش کن، ای که بر عرش چیره‌ای، و بازگشت و سرانجام به سوی اوست، خدایا، ما بندگان به شدت مشتاق به

سوی ولیّ تو هستیم، آنکه مردم را به یاد تو و پیامبرت اندازد، و تو او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی، و او را قوم و امان ما قرار دادی، و او را پیشوای اهل ایمان از ما گرداندی، از جانب ما به او تحیت و سلام برسان،

وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا وَ أتمِّمْ نِعْمَتَكَ  
بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْهِ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ [جَنَاتِكَ] وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ [وَ] رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ  
وَ عَلَى [عَلِيِّ] أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَ جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى  
مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أتمِّمْ وَ أَدْوَمُ وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرَ مَا  
صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ،

و به این وسیله اکرام بر ما را ای پروردگار بيفزا، و جایگاه او را، جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده، و نعمت را با پیش انداختن او در پیش روی ما کامل گردان، تا ما را وارد بهشتهای نماید، و به همنشینی شهیدان از بندگان خالصت نایل نماید. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر محمد جدّ او و رسولت، آن سرور بزرگتر، و بر پدرش آن سرور پس از پیامبر و بر جده اش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمد، و بر کسانی که بزگزیدی، از پدران نیکوکار و بر خودش، برترین و کامل ترین و تمام ترین و بادوام ترین و بیشترین و فراوان ترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و انتخاب شدگان از میان آفریدگانت فرستادی،

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَ لَا نَهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا اللَّهُمَّ وَ أَقِمِّ بِهِ  
الْحَقَّ وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ  
بَيْنَهُ وَصَلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلْفِهِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَ  
أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ الاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَ ائْمُنْ عَلَيْنَا  
بِرِضَاهُ وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزًا  
عِنْدَكَ وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ،

و بر او درود فرست، درودی که پایانی برای عدوش، و نهایی برای مدتش، و به آخر رسیدنی برای زمانش نباشد، خدایا حق را به وسیله او برپا دار، و باطل را به او نابود کن، و دوستانت را به سبب آن جناب به دولت برسان، و دشمنانت را به دست او خوار

گردان، و پیوند خدایا بین ما و او، پیوندی که ما را به رفاقت گذشتگان او برساند، و ما را از آنانی قرار ده که به دامان عنایتشان چنگ زنند و در سایه لطفشان اقامت کنند، و ما را بر پرداخت حقوقش، و کوشش در فرمانبرداری اش، و دوری از نافرمانی اش کمک کن، و بر ما به خشنودی اش ممت نه، و رأفت و رحمت و دعای خیر آن حضرت را به ما بیخش، تا حدی که به سبب آن به رحمت گسترده ات، و رستگاری در پیشگاهت برسیم، خدایا به وسیله او نمازمان را پذیرفته، و گناهانمان را آمرزیده

و دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابَا وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ اقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَ انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِعًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و دعاهایمان را مستجاب گردان، خدایا روزیهایمان را به سبب او گسترده، و اندوهمان را برطرف شده، و حاجت‌هایمان را برآورده فرما، و به جانب ما به جلوه کریمت روی آور، و تقربان را به سویت پذیر، و به ما نظر کن نظری مهربانانه که کرامت را نزد تو، به وسیله آن نظر به کمال برسانیم، و آن نظر مهربانانه را به حق جودت از ما مگردان، و از حوض جلتش (درود خدا بر او و خاندانش) با جام او و به دست او، سیرابمان کن، سیراب شدنی کامل، و گوارا و خوش، که پس از آن تشنگی نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان آنگاه به صورتی که گذشت نماز زیارت بجا می‌آوری و به آن چه خواهی دعا می‌کنی، که ان شاء الله به اجابت خواهد رسید.